



## A Comparative Study of the Legal Nature of Non-Fulfillment of Contractual Obligations Due to the Corona Virus Pandemic in Iranian Legal System and International Documents

Babak Marandi<sup>1</sup>, Mohammad Taqi Rafiei<sup>2\*</sup>

1. Department of Private Law of the Aras International Campus of the University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Aras International Campus of the University of Tehran, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In addition to the medical dimensions and the numerous social and economic effects that followed, the corona virus (Covid-19) pandemic also brought many issues from a legal point of view, including the non-fulfillment of contractual obligations, which is still a matter of discussion and opinion. The purpose of this article is to compare the legal nature of the non-fulfillment of contractual obligations due to the Corona pandemic in Iranian legal system and international documents.

**Methods:** This article has been written descriptively-analytically using library resources.

**Ethical Considerations:** This research has been done by observing ethical principles and trustworthiness in using the available sources.

**Results:** The findings indicate that in Iranian law, under the conditions of non-execution of the contract, it is possible to resort to the rule of force majeure and hardship and Corona can be considered as an example of force majeure. In international documents such as Unidroit and the Convention on the International Sale of Goods, the possibility of non-fulfillment of contractual obligations due to the pandemic-corona is possible among the examples of the force majeure and can be explained in the form of theories such as hardship and the difficulty of contract implementation.

**Conclusion:** There is a great similarity between Iranian law and international documents regarding the non-fulfillment of contractual obligations due to the pandemic, although in international documents, force majeure and especially the difficulty of contract implementation have been more clearly addressed.

**Keywords:** Obligations; Corona Virus Pandemic; Force Majeure; Hardship

**Corresponding Author:** Mohammad Taqi Rafiei; **Email:** rafiei@ut.ac.ir

**Received:** September 10, 2022; **Accepted:** June 28, 2023; **Published Online:** August 15, 2023

### Please cite this article as:

Marandi B, Rafiei MT. A Comparative Study of the Legal Nature of Non-Fulfillment of Contractual Obligations Due to the Corona Virus Pandemic in Iranian Legal System and International Documents. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e27.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در سیستم حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی

بابک مرندی<sup>۱</sup>، محمدتقی رفیعی<sup>۲\*</sup>

۱. گروه حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** پاندمی ویروس کرونا (کووید-۱۹) علاوه بر ابعاد پزشکی و آثار اجتماعی و اقتصادی متعددی که به دنبال داشت، از منظر حقوقی نیز مسائل متعددی، از جمله عدم اجرای تعهدات قراردادی به همراه داشت که همچنان محل بحث و نظر است. هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی کرونا در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی است.

**روش:** مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق ایران، تحت شرایطی عدم اجرای قرارداد با توسل به قاعده قوه قاهره و عسر و حرج (هاردشیپ) امکان‌پذیر است و می‌توان کرونا را از مصادیق فورس‌ماژور یا قوه قاهره دانست. در اسناد بین‌المللی چون یونیدورا و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز امکان عدم اجرای تعهدات قراردادی ناشی از پاندمی کرونا در زمره مصادیق قوه قاهره امکان‌پذیر بوده و در قالب نظریاتی چون هاردشیپ و دشواری اجرای قرارداد نیز قابل تبیین است.

**نتیجه‌گیری:** شباهت زیادی میان حقوق ایران و اسناد بین‌المللی در خصوص عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی کرونا وجود دارد، هرچند در اسناد بین‌المللی به صراحت بیشتری به فورس‌ماژور و به خصوص هاردشیپ و دشواری اجرای قرارداد پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** تعهدات قراردادی؛ پاندمی ویروس کرونا؛ فورس‌ماژور؛ هاردشیپ

نویسنده مسئول: محمدتقی رفیعی؛ پست الکترونیک: [rafiei@ut.ac.ir](mailto:rafiei@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Marandi B, Rafiei MT. A Comparative Study of the Legal Nature of Non-Fulfillment of Contractual Obligations Due to the Corona Virus Pandemic in Iranian Legal System and International Documents. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e27.

## مقدمه

پاندمی ویروس کرونا آثار اقتصادی و اجتماعی متعددی به دنبال داشت. شیوع ویروس کرونا، اجرای بسیاری از قراردادها را با مشکل رو به رو کرد و امکان اجرای بسیاری از قراردادهای دیگر را منتفی ساخت. کروناویروس نخستین بیماری‌ای نیست که بحث ممتنع‌شدن ایفای تعهدات را با خود به همراه و جهانگیری داشته است، بلکه پیش از آن انواع بیماری‌هایی چون سارس در سطوح مختلف همه‌گیری موجد چالش‌هایی از این دست شده است، اما شرایط در مورد کروناویروس متفاوت است. این بیماری بسیار کشنده و سرعت انتقال آن بسیار بالا بود. برخی مشاغل، ناخواسته به دستور دولت مجبور به تعطیلی گردیده یا نیمه‌تعطیل شدند. به عبارتی شدت همه‌گیری و در عین حال تأثیر آن بر سلامتی شهروندان و اقشار مختلف اجتماع، وضعیت اقتصادی و از جمله قراردادهای تجاری را تحت تأثیر قرار داد. به همین دلیل، دولت‌ها، محدودیت‌های شدیدی ایجاد کردند که منجر به تعطیلی برخی مشاغل و برخی صنایع گردید. آنچه از منظر حقوقی در خصوص پاندمی کرونا اهمیت دارد، تأثیراتی است که بر عدم اجرای تعهدات قراردادی بر جای گذاشت و همین امر، بررسی حقوقی آن به ویژه با رویکرد تطبیقی را ضروری ساخته است. این موضوع وقتی اهمیت دارد که توجه شود هر شخصی که قراردادی را منعقد می‌کند، ملزم به رعایت آن است. این اصل اساسی در حقوق، به اصل لزوم قراردادها، معروف است، اما پاندمی کرونا اجرای بسیاری از تعهدات قراردادی را غیر ممکن ساخت. بعضی کشورها از جمله، چین، هند و فرانسه این بیماری را از مصادیق قوه قاهره دانسته‌اند. دادگاه تجدید نظر فرانسه در مورد کارمندی که به دلیل ابتلای سایر کارمندان به ویروس کرونا از حضور در محل کار امتناع کرده بود، شرایط قوه قاهره را محقق دانست. رویه قضایی فرانسه در مورد تلقی کروناویروس به عنوان فورس‌ماژور به درستی رأی داده است شرایط فوق‌العاده سبب شده کارمندی که به جهت ارتباط با اشخاصی که تصور می‌شد مبتلا به کرونا هستند، نتواند در محل کارش حاضر شود. به نظر دادگاه، این شرایط که منجر به

عدم حضور مشارالیه شده است، همه شرایط فورس‌ماژور اعم از خارجی بودن، غیر قابل پیش‌بینی بودن و غیر قابل اجتناب بودن را دارد، به علاوه تجهیزات برای برقراری ارتباط از طریق ویدئو کنفرانس در جلسه وجود نداشته است. در نتیجه تحقق فورس‌ماژور توجیه می‌شود. هدف مقاله حاضر این است که ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی کرونا در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی را بررسی کند. در خصوص ابعاد حقوقی کروناویروس پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیدعلی جواهری، در مقاله‌ای به بررسی ایجاد مسئولیت مدنی از سرایت بیماری کرونا پرداخته است. مطابق نتیجه مقاله مورد اشاره اگر فرد مبتلا به ویروس کرونا، باعث سرایت بیماری مذکور به دیگری شود و موجب اتلاف منافعش گردد، مسئول جبران خسارت به بارآمده می‌باشد، مگر آنکه بتوان خسارت ایجادشده را به خود شخص متضرر نسبت داد (۱). علی ولی‌پور، احسان مرصوصی و محسن اسماعیلی نیز در مقاله‌ای، مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از بیماری کرونا در برابر شهروندان در حقوق ایران و فقه امامیه را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج مقاله مذکور، ارکان و نظریه رایج مسئولیت مدنی در ایران مبتنی بر تقصیر است که در قانون مسئولیت مدنی به صراحت بیان شده و در قوانین دیگر نیز بر آن تأکید یا فرض گرفته شده است، نمی‌توان دولت را مسئول جبران خسارات حاصل از بیماری کرونا که به صورت بلای طبیعی است، دانست (۲). همچنین رسول ملکوتی در مقاله‌ای، تأثیر کروناویروس بر مسئولیت مدنی متعهدین را بررسی کرده است. مطابق نتایج مقاله مورد اشاره همه‌گیری ویروس کرونا را نمی‌توان به عنوان قاعده کلی، قوه قاهره تلقی کرد، بلکه در مورد هر تعهد باید به صورت جداگانه ادعای متعهد مستنکف مبنی بر ارتباط عدم یا تأخیر انجام تعهد با انتشار ویروس مزبور با لحاظ شروط ضمن قرارداد، مورد بررسی قرار گیرد. اثبات کرونا ویروس به عنوان مصداق قوه قاهره بسته به نوع تعهد از نظر قانونی و قراردادی بودن، متفاوت است. در تعهدات تجاری، ممکن است همه‌گیری مزبور علی‌القاعده در حد وضعیت هاردشیپ محسوب گردد که البته تبیین و پذیرش آن به علت فقدان مستمسک

قانونی، مستلزم توجه بیشتر دادگاه به شروط قراردادی و اصل انصاف است (۳). در مقاله حاضر، اما به بررسی این سؤال پرداخته می‌شود که ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به چه صورت است؟ به عبارت دقیق‌تر، عدم اجرای تعهدات قراردادی ناشی از پاندمی ویروس کرونا چگونه قابل تحلیل است؟ رویکرد حقوق ایران و اسناد بین‌المللی در این زمینه چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «هم بر اساس حقوق ایران و هم بر اساس اسناد بین‌المللی در صورت عدم اجرای تعهدات قراردادی، امکان توسل به قوه قاهره و در نتیجه تعدیل قراردادها وجود دارد.» به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رویکرد حقوق ایران و در ادامه رویکرد اسناد بین‌المللی در زمینه عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا بررسی شده است.

قانونی، مستلزم توجه بیشتر دادگاه به شروط قراردادی و اصل انصاف است (۳). در مقاله حاضر، اما به بررسی این سؤال پرداخته می‌شود که ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به چه صورت است؟ به عبارت دقیق‌تر، عدم اجرای تعهدات قراردادی ناشی از پاندمی ویروس کرونا چگونه قابل تحلیل است؟ رویکرد حقوق ایران و اسناد بین‌المللی در این زمینه چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «هم بر اساس حقوق ایران و هم بر اساس اسناد بین‌المللی در صورت عدم اجرای تعهدات قراردادی، امکان توسل به قوه قاهره و در نتیجه تعدیل قراردادها وجود دارد.» به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رویکرد حقوق ایران و در ادامه رویکرد اسناد بین‌المللی در زمینه عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا بررسی شده است.

## بحث

۱. ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی کرونا در حقوق ایران: به دنبال سؤال مقاله که در مقدمه بیان شده است، بحث مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در نظام حقوقی ایران در قالب قاعده فورس‌ماژور یا هاردشیپ (دشواری اجرای قرارداد) قابل تبیین و تحلیل است یا خیر؟ به این منظور ابتدا عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در نظام حقوقی ایران در قالب قاعده فورس‌ماژور و در ادامه در قالب قاعده هاردشیپ تبیین و تحلیل می‌گردد، زیرا تأثیر کروناویروس مفهوماً در مصادیق مختلف متفاوت است. گاهی دشواری به حدی می‌رسد که امکان اجرای قرارداد وجود ندارد و این مورد را در حقوق به عنوان عدم امکان ایفای تعهد به دلیل قوه قاهره می‌شناسند و گاهی شرایط در زمان اجرا نسبت به زمان انعقاد سخت‌تر می‌شود.

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## روش

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق ایران، تحت شرایطی عدم اجرای قرارداد با توسل به قاعده قوه قاهره و عسر و حرج (هاردشیپ) امکان‌پذیر است و می‌توان کرونا را از مصادیق فورس‌ماژور یا قوه قاهره دانست، زیرا کرونا غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل اجتناب و ناشی از یک حادثه یا علت خارجی است و به عبارتی، هر سه شرط لازم برای فورس‌ماژور دانستن آن وجود دارد، اما این امر در جایی است که با بررسی قضایی مشخص شود شیوع بیماری، مانع از انجام تعهدات

۱-۱. عدم اجرای تعهدات قراردادی بر اساس نظریه فورس‌ماژور: در حقوق ایران، در قانون مدنی اصطلاح قوه قاهره به کار نرفته است و تعریفی نیز از آن ارائه نشده است و تنها در مواد ۱۳۱ و ۱۵۰ قانون دریایی این اصطلاح به چشم می‌خورد. با این حال در نوشته‌های حقوقدانان به کرات از آن یاد می‌شود (۴). در واقع مبحث قوه قاهره در حقوق ایران ذیل عنوان «خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات» در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ مطرح گردیده است (۵). قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ویژگی‌ها و اوصاف تحقق قوه قاهره را برشمرده است، مطابق ماده ۲۲۷ فوق‌الذکر: «متخلف از انجام تعهد

به موجب مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، همین که متعهد نتواند ارتباط عدم انجام تعهد را با علت خارجی اثبات کند، کافی است تا علت عدم اجرا به خود او منسوب شود، در این صورت او مسئول جبران خسارت متعهدله خواهد شد. ارتباط مذکور باید در نتیجه عمل شخص متعهد به وجود آمده باشد که این عمل نیز یا از روی قصد و عمد بوده، یعنی متعهد خواسته و دانسته از اجرای تعهد سرباز زده است و یا بدون علم و عمد محقق شده است. بنابراین برای آنکه متعهد مسئول خسارات طرف دیگر (متعهدله) باشد، لازم نیست در انجام دادن تعهد مرتکب تقصیر شده باشد (۹). اگر بر اثر حادثه‌ای که هنگام انعقاد عقد نوعاً و عرفاً قابل پیش‌بینی بوده است متعهد نتواند تعهد خویش را اجرا کند، از مسئولیت معاف نخواهد شد. وانگهی غیر قابل پیش‌بینی بودن در زمان انعقاد قرارداد مد نظر است نه زمانی که اتفاق روی می‌دهد (۱۰). در واقع اگر وقوع حادثه‌ای که مانع اجرای تعهد می‌شود، برای متعهد قابل پیش‌بینی باشد، یعنی احتمال معقولی وجود داشته باشد که آن حادثه رخ می‌دهد قوه قاهره محسوب نمی‌شود.

**۳- غیر قابل دفع بودن واقعه:** مطابق این شرط حادثه خارجی باید غیر قابل دفع و اجتناب باشد بر این مبنای، در صورتی می‌توان مانع پیش‌آمده را قوه قاهره محسوب کرد که یک انسان متعارف نتواند با آن مقابله کند، وگرنه متعهد ملزم است در حدود متعارف موانع اجرای تعهد را از میان بردارد و تعهد خود را به سرانجام برساند (۶). ماده ۲۲۹ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.» از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی نباید چنین استنباط کرد که وجود هر یک از شرایط فوق‌الذکر به تنهایی برای تحقق تعذر اجرای قرارداد کافی است (۶). به دیگر سخن با توجه به عبارت «خارج از حیطه اقتدار» که در ماده ۲۲۹ قانون مدنی، آمده چنانچه دفع حادثه و از میان برداشتن آن برای متعهد مقدور باشد، ولی او این کار را انجام ندهد، مسئول جبران خسارت است.

وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود» نیز به موجب ماده ۲۲۹ همان قانون: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.» به این ترتیب علت خارجی به عنوان قوه قاهره حادثه‌ای خارجی، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل مقاومت است که باعث غیر ممکن شدن انجام تعهد می‌شود، به دیگر سخن، برای تحقق مفهوم قوه قاهره سه شرط زیر باید جمع شود:

**۱- خارجی بودن حادثه:** منظور از خارجی بودن قوه قاهره این است که خارج از اراده متعهد باشد، بر این مبنای، خارجی بودن یک پدیده به معنای عدم دخالت متعهد در ایجاد آن با فعل یا ترک فعل است. از آنجا که مسئولیت متعهد مشروط به این است که تقصیر و دخالت او منجر به وقوع حادثه شود از این رو وقوع حادثه باید بیرون از اراده و کنترل متعهد باشد. بنابراین اگر رفتار نابجای کارفرما سبب اعتصاب کارگران باشد قوه قاهره محقق نشده و به همین جهت مسئولیت از او سلب نخواهد شد (۶). خارجی بودن سبب تعذر عارض شده و علتی که موجب ناممکن شدن اجرای قرارداد و عدم ایفای تعهدات ناشی از آن می‌گردد، نباید قابلیت استناد به متعهد را داشته باشد و باید از حیطه اقتدار وی خارج باشد، در غیر این صورت، متعهد کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد خواهد بود (۷). مطابق ماده ۲۲۷ قانون مدنی: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که ثابت نماید عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است و نمی‌توان مربوط به او نمود.»

**۲- غیر قابل پیش‌بینی بودن آن:** این شرط بدین معنی است که عارض شدن حادثه‌ای که موجب تعذر شده است، در عرف به طور معقول غیر قابل پیش‌بینی باشد، در قانون ایران از آنجا که چنین شرطی در مبحث مربوط به خسارات ناشی از عدم انجام تعهد ذکر نگردیده، مورد تردید است، با وجود این اغلب نویسندگان و حقوقدانان کشور در باب قوه قاهره و خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، عدم قابلیت پیش‌بینی حادثه را جزء شرایط معافیت متعهد از مسئولیت می‌دانند (۸).

در واقع مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران می‌توان ویروس کرونا را از مصادیق فورس‌ماژور یا قوه قاهره دانست، چراکه کرونا غیر قابل پیش‌بینی غیر قابل اجتناب و ناشی از یک حادثه یا علت خارجی است و به عبارتی، طبق قانون مدنی ایران، هر سه شرط لازم برای فورس‌ماژوردانستن آن وجود دارد، اما این امر در جایی است که با بررسی قضایی مشخص شود شیوع بیماری، مانع از انجام تعهدات قراردادی شده و متعهد با وجود چنین شرایطی توان اجرای تعهدات قراردادی را نداشته است. نکته اساسی این است که باید با بررسی قضایی مشخص شود، عدم انجام تعهدات قراردادی در نتیجه پاندمی کرونا بوده است.

از نظریه مشورتی شماره ۳۰۰/۹۹/۷ - ۱۳۹۹/۶/۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز همین موضوع قابل استنباط است. مطابق نظریه مذکور: «۱- به نحو اطلاق نمی‌توان شیوع بیماری کرونا و اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی و آثار آن بر اجرای تعهدات قراردادی را مشمول عنوان و نهاد فورس‌ماژور دانست، به نحوی که بر حسب نوع و ماهیت قراردادهای و شروط ضمن آن، وضعیت متفاوت است که احراز آن مستلزم رسیدگی قضایی است. برای مثال، در قراردادهای بلندمدت نمی‌توان بابت اجرای چندماهه طرح فاصله‌گذاری اجتماعی در ایران به نهاد فورس‌ماژور متوسل شد و چه‌بسا نتوان با رعایت دیگر شرایط، آن را دشواری اجرای قرارداد دانست، این در حالی است که در قراردادهای کوتاه‌مدت از نوع وحدت مطلوب، به سبب بروز این شرایط، قرارداد منعقد منحل می‌شود؛ ۲- در صورت احراز فورس‌ماژور توسط قاضی رسیدگی‌کننده، بر اساس آنکه موجب انتفای دائمی موضوع قرارداد شود و یا مانع موقتی در اجرای قرارداد ایجاد کند، پاسخ متفاوت است و حسب مورد ممکن است انتفای تعهد و یا وفق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی انتفای مسؤلیت به جبران خسارت را در پی داشته باشد.»

اگر پاندمی ویروس کرونا منجر به بسته‌شدن مرزها گردد و در نتیجه واردات مواد اولیه ممکن نباشد و در عین حال در بازار مواد اولیه مورد نیاز موجود نباشد، فروشنده می‌تواند به

فورس‌ماژور استناد نماید. با در نظر گرفتن طول دوره قرارداد، اثر فورس‌ماژور، تعلیق و یا انفساخ قرارداد خواهد بود. اگر ویروس کرونا در برخی شرایط سبب به خطر افتادن سلامتی متعهد گردد، می‌تواند به عنوان حادثه فورس‌ماژور قلمداد گردد، به ویژه هنگامی که محل سکونت متعهد و یا محل اجرای قرارداد از سوی مقامات دولتی در قرنطینه باشد. اگر اثبات شود عدم اجرای قرارداد به واسطه گسترش ویروس کرونا بوده و شرایط تحقق فورس‌ماژور وجود داشته است، عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن به معنای نقض تعهد و پیمان‌شکنی نخواهد بود و با اثبات این امر به استناد مواد ۲۲۷، ۲۲۹، ۳۸۷ و ۵۲۷ قانون مدنی و قاعده فقهی «قبح تکلیف بما لایطاق» قرارداد منحل شده و متعهد مسئولیتی برای جبران خسارات وارده به طرف دیگر عقد را نخواهد داشت، زیرا عدم اجرای تعهدات قراردادی یا تسلیم موضوع عقد در موعد مقرر، به واسطه اهمال یا منتسب به اراده او نبوده است، کما اینکه در موضوعات تجاری بین‌المللی نیز می‌توان از مبانی مندرج در اسناد بین‌المللی مانند بند ۱ ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین بهره گرفت که بر اساس آن با اثبات اینکه شیوع ویروس کرونا مانع از انجام تعهدات قراردادی شده است، متعهد مسئولیتی برای جبران خسارات نخواهد داشت.

#### ۱-۲. عدم اجرای تعهدات قراردادی بر اساس نظریه

**هاردشیپ یا دشواری اجرای قرارداد:** هاردشیپ زمانی ایجاد می‌شود که امکان اجرای قرارداد از نقطه نظر اقتصادی بیش از حد دشوار گردد. نظریه هاردشیپ در نظام‌های حقوق عرفی در این‌باره شهرت دارد. وجه مشترک نظریه‌های فوق‌الذکر را در تحقق مفهوم «تغییر اوضاع و احوال» می‌توان یافت. مراد از اوضاع و احوال مجموعه شرایط پیرامونی و غیر داخلی است که قرارداد با توجه به آن منعقد شده است و منظور از تغییر اوضاع و احوال دگرگونی شرایطی است که در زمان وقوع قرارداد و مبنای تراضی قرار گرفته است، چنانچه به سبب وقوع حوادث تازه شرایط مزبور به طور اساسی دگرگون شده و متفاوت از زمان قراردادی گردد. تغییر اوضاع و احوال

موجب از بین رفتن امکان اجرای عقد یا صدمه به تعادل است (۱۲-۱۱).

قانون مدنی ایران مقررهای در خصوص هاردشیپ نداشته و دادگاهها برای رسیدگی به چنین اختلافاتی به حقوق اسلام رجوع می‌کنند. قاعده عسر و حرج در حقوق اسلام تا حدود زیادی به نهاد هاردشیپ شباهت دارد. با این حال، حقوق ایران به طرفین اجازه می‌دهد تا شرطی در رابطه با هاردشیپ در قرارداد پیش‌بینی نمایند. ضمانت اجرای قابل استناد در وضعیت هاردشیپ، فسخ و یا تعدیل قضایی قرارداد خواهد بود. اگر در مثال فوق‌الذکر، مواد اولیه در بازار وجود داشته، ولی قیمت آن‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته باشد، متعهد می‌تواند به هاردشیپ استناد نماید.

آثار دگرگونی اوضاع و احوال پس از قرارداد به دو صورت نمایان می‌شود: گاهی اجرای قرارداد غیر ممکن (متعذر) و گاه عمل به تعهدات دشوار و پرهزینه می‌شود. در حقوق آمریکا دکترین غیر عملی شدن اجرای قرارداد تجاری، پذیرفته شده و مطابق آن افزایش بهای کالاها و سنگین یا نامتعارف شدن اجرای تعهدات موجب معافیت از مسئولیت قراردادی است (۱۴-۱۳) و به جای «عدم امکان اجرا» از «عدم قابلیت اجرایی» تعهد سخن می‌رود و تمایل بر این است که امکان اجرای قرارداد با هزینه گزاف و نامعقول در حکم عدم امکان اجرای آن است (۱۵).

در حقوق ایران، نظریه غبن حادث در این‌باره پیشنهاد شده است (۱۶)، اما اصطلاح مرسوم و شناخته‌شده «عسر و حرج» دارای مبانی فقهی است و به همین جهت در بیشتر نوشته‌ها رایج شده است. با وجود این، قاعده عسر و حرج در اندیشه فقیهان ناظر به فرضی است که اجرای قرارداد عملاً یعنی به طور فیزیکی، سخت و نزدیک به ناممکن شود.

در حالی که همان‌گونه که گذشت، نظریه هاردشیپ به دشواری اقتصادی در جریان اجرای قرارداد نظر دارد. از این رو با توجه به وحدت اوصاف و شرایط تحقق حرج، از ملاک قاعده نفی «عسر و حرج» برای مفهوم جدید مشقت و دشواری اقتصادی باید بهره گرفت.

قراردادهای پیمانکاری بلندمدت نمونه‌های عینی تحقق دشواری در اجرای تعهدات هستند، چنانکه ممکن است احداث و تحویل کارخانه و تأسیسات فنی که بر مبنای قیمت توافقی تعهدشده با حوادث غیر مترقبه مانند جنگ، تحریم، بحران‌های سیاسی و اقتصادی و یا شیوع بیماری‌های واگیردار و حتی وضع قوانین جدید رو به رو شود و در پی آن ایفای تعهد برای او سخت و زیانبار شود. همچنین در فرضی که پس از انعقاد عقد، مقررات حمایت از محیط‌زیست محدودیت‌های فعالیت را بیشتر و انجام کار را فوق‌العاده پرهزینه نماید، دشواری قرارداد رخ داده است.

نظریه مشورتی شماره ۴۰۲/۹۹/۷ - ۱۳۹۹/۶/۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در خصوص تأثیر پاندمی ویروس کرونا بر تعهدات قراردادی به پذیرش نظریه هاردشیپ یا همان نظریه دشواری اجرای قرارداد تمایل دارد.

مطابق نظریه مذکور: «اولاً به نحو اطلاق نمی‌توان شیوع بیماری کرونا یا آنفولانزای مرگی و دیگر موارد مشابه و آثار این پدیده‌ها بر اجرای تعهدات قراردادی را مشمول عنوان و نهاد فورس‌ماژور یا قوه قاهره دانست، به نحوی که بر حسب نوع و ماهیت قراردادها و شروط ضمن آن و اراده طرفین عقد بر اجرا یا عدم اجرای آن، وضعیت متفاوت است که احراز آن مستلزم رسیدگی قضایی است؛ ثانیاً احکام مقرر در مواد ۴۷۸ تا ۴۸۳ قانون مدنی و ماده ۴۹۶ همین قانون ناظر بر عیب یا تلف کل یا بعض مورد اجاره و تأثیر آن بر عقد اجاره، حسب مورد از حیث قابلیت فسخ، انفساخ و یا بطلان این عقد است و قابل تسری به فرض سؤال، یعنی شیوع بیماری کرونا یا آنفولانزای مرگی و نظایر آن و در نتیجه مقذور نبودن انجام یا تداوم فعالیت مرغداری و در واقع فراهم نبودن استیفاء از مورد اجاره نیست، زیرا عیب و یا تلفی بر عین مستأجره (مکان استیجاری جهت مرغداری) وارد نشده است و صرفاً به سبب بروز چنین عوامل و شرایطی انجام فعالیت مرغداری حسب مورد غیر مقذور و یا با دشواری، تأخیر و یا توقف مواجه شده است.»

همچنانکه در اوضاع و احوال ناشی از برقراری محدودیت‌هایی که به علت شیوع بیماری کرونا حادث شد، دشواری اجرای

برخی قراردادها را به دنبال داشت. برای نمونه چنانچه سالن نمایش که اجاره داده شده به جهت اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی (فیزیکی) به طور کامل قابل بهره‌برداری نباشد و به همین علت مستأجر از درآمد مورد انتظار محروم شود، تحمیل این وضعیت دشوار که هنگام عقد قابل پیش‌بینی نبوده بر او، عادلانه نیست و حقوق نسبت به آن بی‌تفاوت نمی‌ماند (۱۷). به عبارتی به لحاظ شیوع بیماری کرونا و محدودیت‌هایی که این بیماری به وجود آورد، حمل و نقل مواد اولیه و ملزومات کار به کندی صورت می‌گرفت و انجام تعهدات پیمانکاران را با هزینه‌های گزاف همراه کرد و در نتیجه، هزینه اجرای قرارداد افزایش یافته و به عسر و حرج انجامید.

پس در مورد همه این حالات نمی‌توان حکم کلی داد، لذا اول اینکه این وضعیت باید قابل پیش‌بینی نباشد؛ دوم اینکه شرایط جدیدی که اجرای قرارداد را دشوار کرده است، نباید به دلیل عمل خود طرفین باشد که در این صورت آن شخص مسئول شناخته خواهد شد؛ سوم اینکه دشوار شدن اجرای قرارداد ممکن است به دلیل قانونی یا عملی باشد، یعنی ممکن است قانونی وضع شود و اجرا را مشکل کند و ممکن است واقعه‌ای خارجی اتفاق بیفتد و این نتیجه را سبب شود. در مورد پاندمی ویروس کرونا هر دو این حالات را داریم؛ چهارم اینکه راه‌حل‌های مربوط به دشواری در اجرا باید به گونه‌ای باشد که تا حد امکان قرارداد را حفظ کند.

## ۲. ماهیت حقوقی عدم اجرای تعهدات قراردادی به

سبب پاندمی کرونا در اسناد بین‌المللی: در تجارت بین‌الملل نیز اصل لزوم در تعهدات و قراردادها مورد پذیرش قرار گرفته است. در این قسمت به بررسی عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در اسناد بین‌المللی بر اساس قاعده فورس‌ماژور و نظریه هاردشیپ پرداخته می‌شود.

### ۱-۲. عدم اجرای تعهدات قراردادی بر اساس قاعده

فورس‌ماژور: یکی از مفاهیم اساسی مرتبط با عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در اسناد بین‌المللی مفهوم قوه قاهره است. از منظر حقوق بین‌الملل عمومی: «قوه قاهره عبارت از یک مانع غیر قابل اجتناب ناشی

از رویدادهای خارجی است یا از اجرای تعهد و یا از رعایت یک قاعده حقوقی بین‌الملل جلوگیری می‌کند. همه نظام‌های حقوق داخلی، رفع مسئولیت شخصی را که بر اثر قوه قاهره، اجرای تعهدات قراردادی برای او مطلقاً غیر ممکن شده است، می‌پذیرند. در حقوق بین‌الملل، اثر قوه قاهره معافیت دولت از مسئولیتی است که معمولاً به سبب عدم اجرای عهدنامه دامن‌گیر آن است» (۴). همچنین مواد ۷۹ و ۸۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین شرایط مشابهی مانند آنچه در حقوق ایران مطرح است برای تحقق تعذر برشمرده است. این شرایط عبارت است از وجود مانع، عدم قابلیت پیش‌بینی، غیر قابل کنترل بودن و عدم قابلیت اجتناب و غلبه به موجب مواد مزبور با جمع شرایط یادشده، متعهد از ایفای تعهد و پرداخت خسارت معاف شده و در صورت دائمی یا موقت بودن، موجب انحلال یا تعلیق اجرای عقد می‌شود، نیز مطابق ماده ۷-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری (یونیدورا) عدم اجرای قرارداد در صورتی معذور است که متعهد ثابت کند عدم اجرا به علت مانعی خارج از کنترل او بوده و اینکه در زمان انعقاد قرارداد نمی‌توانسته است به طور متعارف چنین مانعی را در نظر داشته باشد یا از مانع مزبور یا آثار و تبعاتش جلوگیری کند. در بند ۱ ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین آمده: «طرفی که هر یک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت نماید که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد آن حادثه را لحاظ کرده از آن و آثار آن اجتناب نموده و یا آن را دفع کند، مسئول نخواهد بود.» بند ۱ ماده ۷۹ کنوانسیون که نسخه‌ای از پاراگراف ۱ ماده ۷۴ قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی ۱۹۶۴ می‌باشد، تصریح می‌کند چنانچه شرایط مقرر در این ماده جمع باشد، طرف متخلف مسئول عدم توفیق در اجرا نیست.» با توجه به عبارات کلی که در این بند به کار رفته است، به نظر می‌رسد طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ‌گونه طرق جبران خسارت متوسل شود و این راه حل مطابق با قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی است، اما این تصور درست نیست و بند ۵ ماده ۷۹ کنوانسیون مذکور



سر بگیرد یا آنکه به طور دائم از اجرای قرارداد معاف می‌گردد. بر اساس آنچه گفته شد، مطابق اسناد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا امکان تبیین عدم اجرای تعهدات قراردادی ناشی از پاندمی ویروس کرونا در قالب قاعده فورس‌ماژور وجود دارد، اما در خصوص قراردادهای متفاوت و با توجه به شرایط مختلف متفاوت است.

**۲-۲. عدم اجرای تعهدات قراردادی بر اساس نظریه هاردشیپ یا دشواری اجرای قرارداد:** در اسناد بین‌المللی به جای «عدم امکان اجرا» از «عدم قابلیت اجرایی» تعهد سخن می‌رود و تمایل بر این است که امکان اجرای قرارداد با هزینه گزاف و نامعقول در حکم عدم امکان اجرای آن است (۱۵، ۲۴). در واقع در نظام تجارت بین‌المللی، عدم امکان اجرا با عنوان هاردشیپ شناخته می‌شود و منظور از آن، وضعیتی است که اجرای تعهد قراردادی در نتیجه حوادث غیر قابل پیش‌بینی و خارج از کنترل، بدون اینکه به لحاظ فیزیکی غیر ممکن باشد، از نظر اقتصادی دشوار و پرهزینه می‌شود. بدین معنا که اجرای تعهد یک‌طرف به غایت سنگین و در مقابل، ارزش عوض دریافتی بسیار ناچیز و کم‌بها باشد و به تعبیر رایج، تعادل و توازن قراردادی مختل شود (۲۵). در برخی اسناد بین‌المللی شروط دشواری اجرای قراردادها به تفاوت ۳ تا ۵ شرط دانسته شده است، به موجب ماده ۲-۲-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (یونیدورا): «هاردشیپ در صورتی محقق است که اولاً رویداد خارجی یا آگاهی از آن توسط طرف متضرر، پس از انعقاد عقد واقع شود؛ ثانیاً حوادثی که موجب این وضعیت شده است از کنترل و پیش‌بینی متضرر خارج باشد؛ ثالثاً ریسک حوادث مزبور توسط متضرر قبول نشده باشد» (۲۶). نیز برابر مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی: «هاردشیپ در صورتی محقق است که: ۱- تغییر اوضاع و احوال تعادل قراردادی را به گونه‌ای اساسی به هم بریزد و بار سنگین تحمل‌ناپذیری بر دوش استنادکننده به هاردشیپ قرار دهد؛ ۲- تغییر اوضاع و احوال به عللی خارج از اراده طرفین باشد؛ ۳- حادثه‌ای که موجب دشواری اجرای عقد شده است پس از تشکیل قرارداد رخ دهد؛ ۴- حادثه مزبور در

که مکمل بند ۱ این ماده محسوب می‌شود، حدود معافیت متعهد را مشخص کرده است. طبق بند ۵ ماده ۷۹ کنوانسیون متعهد تنها از پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد معاف می‌باشد و لاغیر (۱۸). واژه خسارت در این ماده باید به صورت موسع تفسیر گردد، به این معنا که شامل همه نوع خسارات صرف نظر از نام آن‌ها اعم از خسارت برای اجرا در غیر موعد مقرر و سود بر خسارت، اعم از اینکه خسارت بی‌واسطه یا باواسطه باشد و جریمه‌های نقدی و... باشد، زیرا دادن خسارت به یک طرف به معنای مسئول بودن طرف دیگر می‌باشد (۱۹).

البته برای روشن‌تر شدن اثر فورس‌ماژور بر تعهد متعهد، بهتر است میان فورس‌ماژور دائم و موقت تفکیک قائل شد. بنابراین چنانچه فورس‌ماژور مانع اجرای دائمی قرارداد گردد، متعهد به طور کلی معاف می‌شود، به این صورت که به تبع آن، قرارداد منفسخ می‌گردد و تعهد متعهد نسبت به اجرای قرارداد نیز ساقط می‌شود همینطور متعهد ملزم به پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد نیز نمی‌باشد (۲۰-۲۲).

اما اگر اجرای قرارداد تنها به دلیل وجود مانع موقت به تأخیر بیفتد بر اساس بند ۳ ماده ۷۹ کنوانسیون، معافیت تا زمانی که مانع وجود دارد مؤثر می‌باشد. بنابراین متعهد بلافاصله پس از رفع مانع باید اقدام به اجرای قرارداد نماید. برای مثال اگر کارخانه فروشنده به علت آتش‌سوزی آسیب ببیند و او نتواند کالایی را مطابق قرارداد در زمان مقرر تحویل دهد، تا زمانی که وی کارخانه را بازسازی نماید، بر اساس بند ۳ ماده ۷۹ از پرداخت خسارت معاف است. در صورتی که کارخانه پس از دو سال بازسازی شود، فروشنده متعهد به تحویل کالا به خریدار می‌باشد و خریدار نیز متعهد به دریافت کالا و پرداخت ثمن می‌باشد، اما اگر تأخیر متعهد در اثر فورس‌ماژور مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون نقض اساسی محسوب شود متعهدله می‌تواند اقدام به فسخ قرارداد نماید که در این صورت پس از رفع مانع نیز متعهد از مسئولیت معاف خواهد بود (۲۳). گاهی ممکن است پس از رفع مانع موقت شرایط و اوضاع و احوال به طور اساسی در مقایسه با زمان انعقاد قرارداد تغییر یابد، اما بحث وجود دارد که در چنین حالتی متعهد باید اجرای قرارداد را از

شروط فوق به عنوان موارد استثنایی و صرفاً با اثبات شرایط ایجابی آن‌ها قابل تأمل است، لذا صرف نظر از لزوم تدوین قوانین راهگشا برای شرایط سخت در سطح ملی و بین‌المللی، طرفین می‌بایست در زمان مذاکره، امکان پیش‌آمدن بحران‌هایی مشابه را که باعث برهم‌خوردن تعادل قراردادی و یکسویه‌شدن ریسک قراردادی می‌گردد، پیش‌بینی نمایند.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی این پرسش پرداخته شد که ماهیت عدم اجرای تعهدات قراردادی به سبب پاندمی ویروس کرونا در سیستم حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی چیست؟ نتایج نشان داد در قانون مدنی ایران اصطلاح قوه قاهره یا فورس‌ماژور به طور صریح ذکر نشده و تعریفی از آن نیز به عمل نیامده است، اما در مواد مختلف قانون مدنی و سایر قوانین عباراتی وجود دارد که مترادف قوه قاهره بوده یا به طور تلویحی دلالت بر آن دارد. دو ماده اصلی، که در قانون مدنی ایران به بیان این موضوع می‌پردازند، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ می‌باشند. ماده ۲۲۷ از «علت خارجی» و ماده ۲۲۹ از «حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد است» سخن می‌گوید. با توجه به مطالب یادشده، شرایط تحقق قوه قاهره در حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه برای تحقق قوه قاهره باید حادثه خارجی، غیر قابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر باشد. در نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه ایران به شماره ۴۰۲/۹۹/۷ تاریخ ۱۳۹۹/۶/۳ گفته شده نمی‌توان شیوع بیماری کرونا را تحت شمول نهاد فورس‌ماژور یا قوه قاهره دانست و این امر مستلزم رسیدگی قضایی است. اگر پاندمی ویروس کرونا، اجرای تعهدات قراردادی را خواه به صورت موقت و یا دائمی غیر ممکن سازد، متعهد می‌تواند به فورس‌ماژور استناد نماید، اما اگر این نوع ویروس اجرای قرارداد را از نظر اقتصادی نامتوازن کند، بر اساس شرط قراردادی یا قاعده نفی عسر و حرج، امکان استناد متعهد به هاردشیپ وجود خواهد داشت که نظریه مشورتی شماره

زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نباشد. توانایی یا عدم توانایی غلبه بر آثار ناگوار تغییر اوضاع و احوال مورد نظر قرار گیرد» (۲۷).

اصولاً عدم اجرای تعهدات قراردادی یا منجز به حق فسخ برای طرف دیگر قرارداد و یا جبران خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد می‌گردد، ولی در شرایط وقوع اپیدمی که عدم اجرای قرارداد ناشی از فعل و اراده طرف قرارداد نبوده است، می‌توان از راه‌های جایگزین برای تمديد فرصت اجرای قرارداد مطابق ماده ۷-۱-۵ قوانین یونیدورا و یا ارائه راه حل رافع مطابق ماده ۷-۱-۴ یونیدورا و یا متفاوت از آنچه که موضوع تعهد بوده است مطابق ماده ۷-۱-۶ اقدام نمود، به شرطی که منصفانه‌بودن و تعادل قرارداد از بین نرود و این اقدام به عنوان امتیاز غیر قابل توجیه به یکی از طرفین قرارداد تلقی نگردد.

همچنین مطابق با ماده ۷-۲-۲ یونیدورا می‌توان استنباط نمود، در شرایطی که اجرای موضوع قرارداد مبتنی بر شخص طرف قرارداد نبوده و امکان تأمین آن از منابع دیگری به طور متعارف وجود داشته باشد، می‌توان نسبت به آن اقدام و طرف متعهد قراردادی عوض مالی آن را پرداخت نماید. این اقدام در قالب خاتمه قرارداد در جریان و انعقاد یک قرارداد جایگزین نیز می‌تواند شکل پذیرد.

مطابق اسناد بین‌المللی، قراردادهای با توجه به زمان، مکان و شرایطی که تحت تأثیر آن منعقد شده‌اند، می‌توانند پیرو اعمال محدودیت‌های ناشی از وقوع پاندمی ویروس کرونا، مشمول شروط فورس‌ماژور، سختی مضاعف و یا عقیم‌شدن قرار گیرند. امکان توسل به هر یک از شرایط فوق که ظاهراً نتایج یکسانی را در پایان‌دادن به قرارداد و یا تعهدات قراردادی دارند، در هر قرارداد می‌تواند متفاوت باشد، البته در صورت پیش‌بینی هر یک از شروط فوق در قرارداد، تصمیم‌گیری در خصوص وضعیت قرارداد ساده‌تر خواهد بود، ولی در صورت فقدان شرط، تصمیم‌گیری در خصوص شرایط حادث بر عهده مرجع حل و فصل‌کننده اختلاف است.

هرچند باید توجه داشت که اصل لازم‌الاجرا بودن قراردادها در این شرایط نیز به قوت خود باقی است و توسل به هر یک از

۳۰۰/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۶/۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه ایران بر این امر دلالت دارد.

متطابق آنچه در خصوص رویکرد اسناد بین‌المللی در خصوص تأثیر پاندمی ویروس کرونا بر تعهدات قراردادی گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که توسل به مفاهیمی چون فورس‌ماژور و دشواری اجرای قرارداد از جمله مواردی است که در حل و فصل اختلافات توسط طرفین قابل استناد است، لیکن این قواعد می‌بایست متناسب با واقعیت‌های حادث و منحصر به فرد هر قرارداد تفسیر شوند و نمی‌توان یک قاعده و نتیجه کلی را برای همه قراردادها از این مفاهیم به دست آورد. درک این موضوع، فضایی را در اختیار طرفین قرار می‌دهد تا با درک متقابل از شرایط واقعی حادث شده بر قرارداد، نسبت به حل و فصل آن اقدام نمایند که حاصل آن می‌تواند رسیدگی سریع‌تر و منصفانه‌تر سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر نسبت به اختلافاتی باشد که طرفین در آن جبهه ترافیعی را نسبت به یکدیگر حفظ می‌نمایند. در همین راستا، می‌توان به روش میانجیگری، به عنوان روش جایگزین داوری و رسیدگی‌های قضایی برای حل و فصل اختلافات اشاره کرد.

اگرچه در حقوق ایران در خصوص غیر ممکن‌شدن اجرای قرارداد، حکم مناسب وجود دارد، اما در مورد تعدیل قراردادهایی که با مشکل در اجرا مواجه شده است، زمینه قانونی لازم فراهم نیست. بنابراین پیشنهاد می‌شود به عنوان مقدمه‌ای برای حل مشکل کسب و کارها، قانونگذار به فوریت، شرایط تعدیل قراردادها را با بهره‌مندی از حقوق کشورهای دیگر و اسناد بین‌المللی در دستور کار قرار دهد تا قراردادهای به بن‌بست رسیده با تعدیل در شرایط، به وضعیت اجرا برگردند. در حقیقت، با توجه به اینکه ویروس کرونا (کووید-۱۹) تنها بیماری واگیرداری نیست که وجود داشته و ممکن است در آینده نیز اتفاقاتی از این قبیل ایجاد شود، پیشنهاد می‌گردد قانونگذار محترم عواملی همچون پاندمی ویروس کرونا را که باعث دشواری اجرای قراردادها می‌شود، به طور صریح مورد توجه قرار داده و راه‌حل‌های قانونی برای رفع مشکلات ارائه نماید.

### مشارکت نویسندگان

بابک مرندی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع. محمدتقی رفیعی: ارائه پلان، راهنمایی و نظارت بر نگارش مقاله، ویرایش و اصلاحات مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

## References

1. Javaheri SA. Investigating the creation of civil liability from the spread of the Corona virus. *Marefat Magazine*. 2021; 3(4): 65-74. [Persian]
2. Valipour A, Marsoosi A, Esmaeli M. Civil responsibility of the government in damages caused by the corona virus disease against citizens in Iranian law and Imami jurisprudence. *Journal of Human Rights and Citizenship*. 2021; 6(2): 135-158. [Persian]
3. Malakoti R. The effect of coronavirus on the civil liability of the committed. *Journal of Legal Research*. 2022; 1(97): 733-748. [Persian]
4. Safai SH. General rules of contracts. 3rd ed. Tehran: Mizan Publication; 2014. p.220-304. [Persian]
5. Afshar Quchani B. force majeure and Civil Responsibility. *Kanon Law Journal*. 2010; 113: 132-138. [Persian]
6. Safai SH. Civil Rights. 3rd ed. Tehran. Mizan Publications; 2012. p.216-239. [Persian]
7. Shabani A. Investigation of the impossibility of executing a contract in Iranian jurisprudence and law. *Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law*. 2009; 2(6): 93-110. [Persian]
8. Katouzian N. General rules of contracts. 6th ed. Tehran: Publication Company; 2001. p.218. [Persian]
9. Mohagheg Damad SM. Rules of jurisprudence. 3rd ed. Tehran: Samt Publications; 1994. p.147. [Persian]
10. Shahidi M. Civil rights (Consequences of contracts and obligations). 2nd ed. Tehran: Majd Publications; 2002. p.85. [Persian]
11. Sadeghi Moghaddam MH. Change in contract conditions. 9th ed. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.110. [Persian]
12. Askari S, Ehteshami H. A Comparative study of frustration of the contract with theories of the force majeure, change of circumstances and Hardship. *Fiqh and Islamic Law Quarterly*. 2015; 8(14): 173-194. [Persian]
13. Ghomami M, Khodadadi H. Difficulty of contract implementation and its effect. *Private Law Studies Quarterly*. 2015; 45(4): 623-642. [Persian]
14. Darabpour M. Guarantee caused by the Corona virus and its impact on domestic and international commercial contracts. *Legal Research Journal (Special on Law and Corona)*. 2019; 23(1): 78-125. [Persian]
15. Esmaeli M. Force majeure and comparative study in Iranian law. 1st ed. Tehran: Soroush Publications; 2001. p.145. [Persian]
16. Katouzian N. The General Rules of Contracts. 10th ed. Tehran: Publication Company; 2002. p.99-102. [Persian]
17. Niazabadi M, Ansari N. Analysis of the situation caused by the pandemic of the corona virus under the justified excuses of non-fulfillment of contractual obligations. *Journal of Legal Research (Special Letter on Law and Corona)*. 2020; 23(Law and Covid-19): 459-487. [Persian]
18. Tavasoli Jahromi M. Cases of removing contractual liability in the Convention on International Sale and Comparative Law. *Law Journal*. 2006; 72: 65-84. [Persian]
19. Tarom Sari M. International commercial law. 1st ed. Tehran: Bazargani Publications; 1998. p.78. [Persian]
20. Khazaei H. International trade law. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.125. [Persian]
21. Salimi AH. Effects of force majeure in International Commercial Contracts. *Fiqh and Usul Journal*. 2005; 1(3-4): 83-106. [Persian]
22. Safai SH. Force majeure an overview of comparative law and international law and international commercial contracts. *International Law Journal*. 1985; 3: 109-152. [Persian]
23. Kessedjian C. Competing Approaches to Force Majeure and Hardship. *International Review of Law and Economics*. 2005; 25(3): 641-670.
24. Qanawati J. A Comparative Study of Corona Virus on Obligations. *Islamic Law Journal*. 2020; 17(64): 154-199. [Persian]
25. Agha Abbasi R, Naqib Shahrabaki A. A Comparative study of the mandatory implementation of the same contractual obligations in the laws of Iran, England, France and the Vienna Convention on the International Sale of Goods 1980. *Political Science, Law and Fiqh Studies Quarterly*. 2016; 3(1): 69-150. [Persian]
26. Akhlaqi B, Eman F. Principles of international commercial contracts. 3rd ed. Tehran: Shahr-e Danesh Institute of Legal Studies and Research; 2013. p.210. [Persian]
27. Sharifi SL, Safari N. A Comparative study of the effect of hardship and force majeure in the principles of European contract law (PECL), principles of international commercial contracts (UNIDRO) and Iranian law. *Comparative Law Quarterly*. 2013; 17(4): 85-100. [Persian]